

**کولیوند: در جنگ اخیر از هیچ کشوری درخواست کمک نکردیم**



رئیس جمعیت هلال احمر گفت: از هیچ کشوری در جنگ اخیر درخواست کمک نکردیم. به گزارش اقتصادسراد، پیر حسین کولیوند، در شبکه خبر بیان کرد: در طول این ایام، یک میلیون و ششصد هزار داوطلب به جمع این نهاد پیوسته‌اند، که نشان‌دهنده افزایش شوق و اشتیاق مردم برای مشارکت و کمک‌رسانی است. این افزایش، جمع را بزرگتر و قوی‌تر کرده است.

وی ادامه داد: این نهاد از طریق دادستان کيفری بين‌المللی و صليب سرخ، پيگیری‌های جدی را برای رسيدگی به نقض حقوق بشر دوستانه انجام داده است. کمیته صليب سرخ، بیانه‌ای صادر و نقض حقوق بشر را محکوم کرده و اسناد ارائه شده را تایید کرده است.

کولیوند رئیس جمعیت هلال احمر با اشاره به ارسال اسناد نقض حقوق بشسر، گفت: رئیس کمیته حقوق بشر دوستانه کشور و رئیس جمعیت هلال احمر، اسناد مربوط به نقض حقوق بشر دوستانه را به مراجع بین‌المللی ارسال کرده‌اند. از وزارت خارجه به دلیل انسجام در جذب کمک‌های خارجی می‌کنیم.

وی افزود: این نهاد، به هیچ کشوری یا نهاد بین‌المللی درخواست کمک مستقیم نداده است، بلکه تنها بر انجام وظایف و مسئولیت‌های قانونی تاکید کرده است. وی اضافه کرد: با وجود عدم درخواست کمک، از کمک‌های کشورهای دیگر ممانعت به عمل نیامده است.

رئیس جمعیت هلال احمر گفت: تا به امروز ۱۲۵۶۳۰ واحد غیر نظامی آسیب دیده اند. ۱۰۰ هزار واحد مسکونی و ۲۳۵۰۰ واحد تجاری و ۳۳۹ محل درمانی مورد حمله وحشیانه دشمن قرار گرفته است.

به گفته رئیس جمعیت هلال احمر دشمن صهیونیستی به ۳۳۹ مکان درمانی آسیب زده است؛ ضمن اینکه ۳۲ دانشگاه، ۸۵۷ مدرسه و ۲۰ مرکز هلال احمر مورد هدف دشمن قرار گرفته است کولیوند متذکر شد: حدود ۱۵ زیرساخت مانند مخزن سوخت، فرودگاه و هواپیماهای غیرنظامی آسیب دیده است. همچنین تعدادی آمبولانس و خودروی مورد اصابت قرار گرفت.

کولیوند متذکر شد: برای رفع نگرانی‌های مربوط به دارو، داروخانه‌ها را ۲۴ ساعته فعال کرده و در برخی موارد، شعبات جدیدی راه‌اندازی کرده ایم وی با اشاره به ارائه خدمات درمانی به تعداد زیاد (۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نسخه در روز) در داروخانه‌های مرکزی، یادآور شد: ارسال داروهای تخصصی به منازل بیماران خاص، حتی در شرایط سخت، انجام شده است. کولیوند با اشاره به دیدار با نماینده سازمان ملل و بازتاب اقدامات انجام شده، گفت: نماینده سازمان ملل با مشاهده فیلم‌هایی از جمله نوزادی که زیر ۵ طبقه آوار جان باخته بود، تحت تأثیر قرار گرفت و گفت دنیا قدرت شمارا فهمیده است کولیوند تصریح کرد: نماینده سازمان ملل، قدرت و پشتوانه مردمی را مورد تحسین قرار داده و به این نکته اشاره کرده که دولت آمریکا انتظار داشت که ایران در مدت کوتاهی از بین برود.



**گروه راهبردی – مرتضی فاخری** – در آستانه میانه دهه ۲۰۲۰، انرژی بار دیگر به مهم‌ترین متغیر راهبردی جهان بدل شده و نقشی تعیین‌کننده در شکل‌دهی به روندهای ژئوپلیتیک، اقتصادی و فناوریانه ایفا می‌کند؛ جایگاهی که بسیاری گمان می‌کردند با گسترش انرژی‌های تجدیدپذیر و تحول بازارهای جهانی، از شدت آن کاسته خواهد شد. اما سلسله بحران‌ها و مناقشات اخیر نشان داده است که انرژی نه‌تنها از مرکز تحولات کنار نرفته، بلکه با ابعادی پیچیده‌تر و پیامدهایی گسترده‌تر بازگشته است. بازیگران متعدد، ابزارهای متنوع و وابستگی‌های جدید، از اختلال در مسیرهای حیاتی انتقال نفت گرفته تا اعمال محدودیت‌های صادراتی بر مواد معدنی‌کیماب و کنترل زیرساخت‌های دیجیتال، نشان می‌دهد که رقابت انرژی دیگر صرفاً در سطح تولید و قیمت‌گذاری خلاصه نمی‌شود و به حوزه‌های امنیتی، فناوریانه و حتی اجتماعی گسترش یافته‌است. در چنین شرایطی، حتی کشورهایی که از نظر تولید انرژی در موقعیت برتر قرار دارند نیز از تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم اختلالات جهانی مصون نیستند؛ چرا که بازارهای انرژی امروز درهم‌تنیده‌تر از همیشه عمل می‌کنند و هر تکانه در نقطه‌ای از جهان می‌تواند پیامدهای فوری و عمیقی در اقتصادهای دوردست ایجاد کند. در کنار این واقعیت، گذار انرژی، الگوی تازه‌ای از وابستگی‌ها را رقم زده که خود منشأ آسیب‌پذیری‌های نوین است؛ تمرکز فراوری مواد حیاتی در چند کشور محدود، افزایش تقاضا برای برق جهت توسعه فناوری‌های پیشرفته و گسترش تهدیدهای سایبری علیه زیرساخت‌های انرژی، همگی بیانگر ورود جهان به مرحله‌ای است که در آن «قدرت انرژی» نه یک مفهوم سستی، بلکه پدیده‌ای پویا، چندبعدی و تعیین‌کننده برای آینده است. این تحولات ضرورت نگاه واقع‌بینانه و عاری از پیش‌فرض را برجسته می‌کند؛ نگاهی که بتواند پیچیدگی‌های این دوران جدید را درک کرده و از آن برای طراحی سیاست‌های پایدار و مقاوم بهره‌گیرد.

#### بازگشت انرژی به مرکز قدرت جهانی و پیامدهای آن برای اقتصاد و امنیت

در گذرگاه سیاسی و اقتصادی قرن بیست و یکم، انرژی دوباره به عنوان محور اصلی قدرت دولت‌ها و نیروی محرکه رقابت‌های ژئوپلیتیک ظهور کرده است، تغییری که تمامی معادلات پیشین ثبات محور را دست‌خوش دگرگونی بنیادین نموده است. در حالی که در دهه‌های گذشته و بسا اکتفا سازوکارهای شفاف در بازارهای یکپارچه با کاهش ریسک‌های تأمین همراه بودیم، امروزه مشاهده می‌کنیم که انرژی از جایگاه یک کالا به ابزاری تهاجمی برای پیشبرد اهداف سیاسی و تغییر موازنه‌های قدرت بدل شده است. این تحول، در دل خود پیامی روشن دارد؛ دوران گذار خوش‌بینانه به سوی بازارهای غیرسیاسی به پایان رسیده و جهان کنونی به عرصه‌ای برای استفاده از زیرساخت‌های انرژی، مسیرهای ترانزیتی دریایی و سیستم‌های مالی مرتبط، جهت اعمال فشار حداکثری علیه رقبای تبدیل گشته است. تکرار سناریوهای بحرانی در نقاط استراتژیک جهان، نه‌تنو کوه یخ واقعیتی است که نشان می‌دهد امنیت دسترسی به منابع، بار دیگر به مهم‌ترین دغدغه امنیت ملی برای تمامی قدرت‌های بزرگ، فارغ از میزان استقلال انرژی آن‌ها، تبدیل شده است. این وضعیت، به ویژه با آشکار شدن شکنندگی زنجیره‌های تأمین و افزایش آسیب‌پذیری اقتصادهای توسعه‌یافته در برابر تکانه‌های قیمتی جهانی، پارادوکس عمیقی را خلق کرده که در آن، وابستگی متقابل اقتصادی به جای آنکه ضامن صلح باشد، خود به بستری برای آسیب‌پذیری‌های جدید تبدیل شده و ثبات بازارهای انرژی را به طور مستمر در معرض تهدیدهای ناشی از مناواعت سیاسی قرار داده است.

در چنین فضای به‌غایت پرمخاطره‌ای، ابعاد اقتصادی این رقابت نوظهور، سایه‌ای سنگین بر چشم‌انداز توسعه فناوری‌های نوین و امنیت زیرساختی کشورها انداخته است. گذار به انرژی‌های پاک، اگرچه با هدف کاهش اتکا به سوخت‌های فسیلی کلید خورده، اما در عین حال با ایجاد تمرکز شدید در زنجیره‌های ارزش مواد معدنی حیاتی و قطعات با فناوری بالا، وابستگی‌های نوینی را پدید آورده است که پتانسیل تبدیل شدن به ابزارهای جدید نفوذ و فشار را دارند. علاوه بر این، پیوند ناگسستنی میان مصرف‌فرزاینده انرژی برای مراکز پردازش داده‌های هوش مصنوعی و پایداری شبکه توزیع، لایه‌ای جدید از ریسک‌های سایبری و امنیتی را به ارمان آورده که مدیریت آن نیازمند سیاست‌گذاری‌های کلان و هوشمندانه است. دیگر نمی‌توان با تکیه بر دستورالعمل‌های کهنه دهه هفتاد میلادی، در برابر این حجم از پیچیدگی‌های مرتبط با گذار تکنولوژیک و سیاسی ایستادگی کرد. دولت‌ها اکنون ناگزیرند که انرژی را نه صرفاً به عنوان یک مسئله اقتصادی، بلکه به مثابه موتور پیشران رهبری در عرصه‌های آتی فناوری تلقی کنند که کوچک‌ترین غفلی در تأمین پایدار و ایمن آن، می‌تواند جایگاه استراتژیک کشورها را در رقابت‌های جهانی پیش رو به مخاطره بیندازد؛ واقعیتی که ضرورت اتخاذ رویکردهای نوین، انعطاف‌پذیر و به دور از تصلب ایدئولوژیک را بیش از هر زمان دیگری آشکار می‌سازد تا مدیریت این سیستم انرژی جدید و به شدت رقابتی، ممکن گردد.

**«رقابت چندلایه در عصر جدید انرژی» باز یگران بیشتر، ابزارهای پیچیده‌تر، وابستگی‌های تازه**
عرصه نوین انرژی، دیگر نه میدانی دوطرفی میان صادرکنندگان و واردکنندگان کلاسیک، بلکه پهنای گسترده و متراکم از بازیگران متنوع است که در آن، مرزهای میان کنشگران دولتی و غیردولتی به طرز بی‌سابقه‌ای محو شده است. در این زیست‌بوم پیچیده، ظهور قدرت‌های میانی، شرکت‌های فراملیتی فناوری محور و اتحادیه‌های منطقه‌ای جدید، ساختار سستی اوپک‌محور با تکیه بر بازارهای تک‌قطبی را به حاشیه رانده است. ابزارهای رقابت نیز از قیمت‌گذاری ساده شبکه‌ای به سمت زرادخانه‌ای مدرن از اهرم‌های فشار حرکت کرده‌اند؛ از اعمال محدودیت‌های صادراتی بر تکنولوژی‌های کلیدی بهره‌وری انرژی و تسلط بر فراوری فلزات استراتژیک گرفته تا استفاده از تعرفه‌های سبز و استانداردهای زیست‌محیطی به عنوان موانع غیرتعرفه‌ای برای بازدارندگی رقبای اقتصادی. این میانه، آنچه رقابت را چندلایه و فرسایشی کرده، تقارن این تحولات فناوریانه با تغییر جهت جریان‌های ژئوپلیتیک است؛ به گونه‌ای که زیرساخت‌های انرژی، از خطوط لوله انتقال هیدروژن تا شبکه‌های هوشمند توزیع برق، اکنون به ستون‌های فقرات امنیتی تبدیل شده‌اند که در صورت کوچک‌ترین منازع‌ای، کل نظام اقتصادی کشورها را با تهدید فلج شدن مواجه می‌کنند. این تراکم بازیگران، نه تنها کاهش‌دهنده تنش نبوده، بلکه با افزایش ضربه نفوذ هر کنشگر در زنجیره تأمین دیگری، پیچیدگی مدیریت بحران‌های انرژی را به سطحی رسیده که مدل‌های دیپلماسی کلاسیک دیگر کارایی چندانی در مهار آن ندارند.

این وابستگی‌های تازه، پارادایم امنیت انرژی را از تعقیب «خودکفایی مطلق» به سوی «تاب‌آوری شبکه‌ای» سوق داده است، چرا که هیچ کشوری در عصر درهم‌تپندگی مدرن نمی‌تواند بدون تعامل سیستمی در زنجیره‌های جهانی، به ثبات بلندمدت دست یابد. در حالی که پیش‌تر، نگرانی‌ها تنها بر سر نوسانات عرضه و تقاضا متمرکز بود، اکنون شاهد ظهور پیوندهای حیاتی میان حوزه امنیت سایبری، پایداری ذخایر معدنی و توانمندی پردازشی مراکز داده هستیم؛ پیوندهایی که شکست آن‌ها در یک حلقه، تمامی ارکان اقتصادی را متأثر

می‌سازد. در این پارادایم، تعریف «وابستگی» نیز دگرگون شده است؛ اگر در گذشته وابستگی به سوخت‌های فسیلی منبع اصلی نگرانی بود، امروز وابستگی به فناوری‌های انحصاری برای گذار به انرژی پاک، شکل جدیدی از مخاطرات ژئوپلیتیک را ایجاد کرده که رقبای نوظهور از آن به عنوان اهرم چانه‌زنی در توافقات تجاری بهره می‌گیرند. این معماری تأییدار جهانی، نیازمند تدوین رویکردهای همه‌جانبه‌ای است که در آن، استراتژی‌های تأمین انرژی، پیوندی عمیق با برنامه‌های امنیت ملی و توسعه صنعتی داشته باشند. تداوم این رقابت‌های چندلایه، نه تنها آزمونی برای تاب‌آوری ساختارهای داخلی کشورهاست، بلکه تعیین‌کننده نهایی جایگاه هر بازیگر در هندسه قدرت آینده خواهد بود؛ دورانی که در آن، موفقیت به جای تکیه بر دسترسی صرف به منابع، م‌هون توانایی در مدیریت هوشمندانه این شبکه از وابستگی‌های پیچیده و در حال تحول است.

#### پارادوکس گذار انرژی و چالش‌های نوظهور در زنجیره‌های تأمین، فناوری و پایداری

مسیر گذار به انرژی‌های پاک که در ظاهر نویدبخش رهایی از محدودیت‌های سوخت‌های فسیلی و گامی بلند به سوی پایداری زیست‌محیطی است، در بطن خود پارادوکس‌های بنیادینی را پنهان دارد که ابعاد اقتصادی و سیاسی جهان را به چالشی جدی کشیده است. در حالی که جوامع جهانی با شتاب فراینده به دنبال جایگزینی منابع آلاینده با انرژی‌های تجدیدپذیر هستند، واقعیت‌های سخت زنجیره تأمین مواد حیاتی، حقیقتی متفاوت را بازگو می‌کنند؛ حقیقتی که در آن، وابستگی تاریخی به بازارهای هیدروکربوری، جای خود را به وابستگی استراتژیک به مواد معدنی کمیاب و فرآیندهای پیچیده متالورژی داده است که در انحصار جغرافیایی معدودی از کشورهای قرار دارد. این جایگاهی کانون‌های قدرت، نه تنها تضادهای پیشین ژئوپلیتیک را از میان نبرده، بلکه آن‌ها را در لایه‌های عمیق‌تر صنعتی و تکنولوژیک بازتولید کرده است. در این پارادایم، گذار انرژی دیگر صرفاً یک پروژه زیست‌محیطی محسوب نمی‌شود، بلکه به عرصه‌ای نوین برای رقابت‌های صنعتی تبدیل شده که در آن، سرعت دسترسی به فناوری‌های پیشرفته ذخیره‌سازی، الکترولیز و نیمه‌رساناها، شاخص اصلی توانمندی ملی است. پارادوکس اصلی اینجاست که تلاش برای نیل به امنیت پایدار، ناخواسته موجب خلق آسیب‌پذیری‌های جدیدی شده که مدیریت آن‌ها در بازارهای به شدت متلاطم و غیرشفاف، نیازمند بازتعریف ساختارهای حکمرانی اقتصادی است؛ وضعیتی که در آن، پیشرفت‌های تکنولوژیک به جای کاهش دغدغه‌های استراتژیک، پیوسته حوزه‌های جدیدی از رقابت امنیتی را در برابر تصمیم‌گیران جهانی می‌گشاید. در کنار این پیچیدگی‌های ساختاری، چالش نوظهور «پایداری در زنجیره تأمین» مرزهای میان اهداف بلندپروازانه اقلیمی و واقعیت‌های عملیاتی صنعتی را بیش از هر زمان دیگری کمرنگ کرده است. سرمایه‌گذاری‌های کلان در فناوری‌های کربن‌صفر، در صورتی که بازرساخت‌های متناسب در شبکه توزیع و توان تولید دیده که با زیرساخت‌های همرا ه نباشد، می‌تواند به جای تقویت ثبات، عامل ایجاد گلرگه‌های جدید اقتصادی باشد؛ گسست‌هایی که در صورت وقوع، تمامی برنامه‌های میان‌مدت توسعه‌محور را دچار اختلال می‌سازد. از سوی دیگر، پیوند ناگسستنی پایداری انرژی با امنیت دیجیتال، چالش نوینی را پیش روی در زنجیره تأمین» مرزهای میان اهداف بلندپروازانه اقلیمی و واقعیت‌های عملیاتی صنعتی را بیش از هر زمان دیگری کمرنگ کرده است. سرمایه‌گذاری‌های کلان در فناوری‌های کربن‌صفر، در صورتی که بازرساخت‌های متناسب در شبکه توزیع و توان تولید دیده که با زیرساخت‌های همرا ه نباشد، می‌تواند به جای تقویت ثبات، عامل ایجاد گلرگه‌های جدید اقتصادی باشد؛ گسست‌هایی که در صورت وقوع، تمامی برنامه‌های میان‌مدت توسعه‌محور را دچار اختلال می‌سازد. از سوی دیگر، پیوند ناگسستنی پایداری انرژی با امنیت دیجیتال، چالش نوینی را پیش روی

سرآمد بررسی می‌کند؛

# پیامدهای بازگشت انرژی به مرکز قدرت جهانی

## «انرژی» چگونه بازیگران جهانی را به بند می‌کشد؟

با الزامات امنیت سخت‌افزاری و تاب‌آوری زنجیره عرضه، در یک چارچوب منسجم و غیرجزیره‌ای گنجانده شود. تداوم این شکاف‌ها نه تنها رسیدن به اهداف نهایی اقلیمی را با تأخیر مواجه می‌کند، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز تنش‌های جدیدی در میان بلوک‌های اقتصادی شود که هر کدام به دنبال تضمین سهم خود از منابع کمیاب انرژی آینده هستند؛ دورانی که در آن، تنها کشورهایی قادر به حفظ اقتدار خود خواهند بود که بتوانند میان ضرورت‌های گذار تکنولوژیک، امنیت زنجیره‌های تأمین و پایداری زیرساختی، تعادلی هوشمندانه برقرار کنند.

#### چشم‌انداز آینده و پیامدهای سیاست‌گذاری

تحولات شتابان در عرصه‌های انرژی، فناوری و ژئوپلیتیک، چشم‌اندازی پیچیده و چندوجهی را پیش روی سیاست‌گذاران ترسیم می‌کند که در آن، پیش‌بینی دقیق پیامدها و اتخاذ تصمیمات راهبردی، مستلزم درکی عمیق از تعاملات متقابل این نیروهاست. در عصر گذار انرژی، اتکای صرف به منابع هیدروکربنی، نه تنها از منظر زیست‌محیطی، بلکه به دلیل ناپایداری قیمتی و ریسک‌های ژئوپلیتیک فراینده، رویکردی منسوخ تلقی می‌شود. این گذار، خود بستری برای ظهور بازیگران جدید در عرصه انرژی فراهم آورده است؛ بازیگرانی که با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین تجدیدپذیر و استراتژی‌های مبتنی بر شبکه‌های هوشمند، در صدد بازتعریف موازنه قدرت جهانی هستند. سیاست‌گذاری در این حوزه، دیگر تنها به مدیریت عرضه و تقاضای انرژی محدود نمی‌شود، بلکه باید ابعاد گسترده‌تری از جمله امنیت سایبری زیرساخت‌های انرژی، پایداری زنجیره‌های تأمین مواد اولیه حیاتی برای فناوری‌های نوین، و تأثیرات اجتماعی ناشی از تغییر ساختار اقتصادی مبتنی بر انرژی را نیز در بر گیرد. پیامد ناخواسته این تحولات، وابستگی‌های جدید و پیچیده‌تری است؛ وابستگی‌هایی که از انتقال قدرت از تولیدکنندگان سنتی نفت و گاز، به سمت کشورهایی که بر فناوری‌های کلیدی تولید، ذخیره‌سازی و توزیع انرژی‌های پاک تسلط نامی‌شود، بلکه باید ابعاد گسترده‌تری از جمله امنیت اتخاذ رویکردهای انعطاف‌پذیر و پیش‌نگرانه‌ای است که بتواند ضمن بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از فناوری‌های نوین، ریسک‌های بالقوه را مدیریت کرده و از بروز بحران‌های احتمالی در آینده جلوگیری کند.

در پر تو این چشم‌انداز در حال تحول، سیاست‌گذاری مؤثر نیازمند یک رویکرد جامع‌نگر است که بتواند میان اهداف کوتاه‌مدت اقتصادی و چالش‌های بلندمدت استراتژیک، تعادلی پایدار برقرار کند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای این گذار، ضرورت بازنگری در مفاهیم سنتی «امنیت انرژی» است. دیگر نمی‌توان امنیت را صرفاً در دسترسی نامحدود به منابع فسیلی خلاصه کرد؛ بلکه باید آن را به عنوان تاب‌آوری کل سیستم انرژی در برابر شوک‌های مختلف، اعم از ژئوپلیتیکی، سایبری و اقلیمی، در نظر گرفت. این امر، مستلزم سرمایه‌گذاری کلان در تحقیق و توسعه، تنوع‌بخشی به منابع انرژی، و تقویت همکاری‌های بین‌المللی در حوزه استانداردهای فنی و پروتکل‌های امنیتی است. همچنین، پیامدهای اجتماعی این گذار، از جمله تأثیر آن بر اشتغال و توزیع در آمد، نباید مغفول بماند. سیاست‌گذاری فعّالانه برای تسهیل انتقال نیروی کار به بخش‌های نوین اقتصادی و حمایت از جوامع آسیب‌پذیر، از اهمیت حیاتی برخوردار است تا از ایجاد شکاف‌های اجتماعی عمیق جلوگیری شود. در نهایت، توانایی سیاست‌گذاران در پیش‌بینی روندهای آتی و انطباق سریع استراتژی‌ها با واقعیت‌های در حال تغییر، تعیین‌کننده موفقیت بلندمدت آن‌ها در مدیریت این دوران پیچیده و گذار خواهد بود؛ دورانی که در آن، انرژی نه تنها یک کالای اقتصادی، بلکه یک اهرم استراتژیک حیاتی در هندسه قدرت جهانی محسوب می‌شود.

## آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی شهرستان دورود–سری (۵۲۵) جمعی

مزروعی آبی زار» بمساحت «۱۵۰۰ مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۷» فرعی از «۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهام الارث ماشااله و کریم از سهم الارث قلی کریمی از مالکیت علی داد سلیمانی»

۸- تقاضای «مصطفی یاراحمدی» فرزند «خدارحم» نسبت به «ششدانگ یک باب مغازه» بمساحت «۲۸،۸۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۱» فرعی از «۱۱۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «آقایان حقوقی»

۹- تقاضای «مصطفی یاراحمدی» فرزند «خدارحم» نسبت به «ششدانگ یک باب ساختمان» بمساحت «۲۴۸،۶۱» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۶۶۸۲» فرعی از «۱۱۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «آقایان حقوقی»

۱۰- تقاضای «رضا بوساک» فرزند «حسین» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی دیم زار» بمساحت «۹۱۹۲» (که مقدار ۱۰۰۰،۸۴ مترمربع در حریم راه آهن قرار دارد) «مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۴۵» فرعی از «۱۰۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسین بوساک فرزند غلام»

تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵، ۱، ۲۲ نوبت دوم: ۱۴۰۴، ۲، ۶

شناسه آگهی: ۲۱۴۹۶۳۸

مزروعی» بمساحت «۴۰۷۲،۱۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۳۸» فرعی از «۱۰۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محمد رضا جاوند»

۳- تقاضای «مرتضی فراز مهر» فرزند «لطیف» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۳۶۶۶،۴۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۳۹» فرعی از «۱۰۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۴- تقاضای «مرتضی فراز مهر» فرزند «لطیف» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۲۹۷۹،۱۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۵۹» فرعی از «۱۰۴» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «محسن لشنی»

۵- تقاضای «مرتضی فراز مهر» فرزند «لطیف» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی» بمساحت «۷۸۷۱،۰۷» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۳۵۷» فرعی از «۱۰۴» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «خود متقاضی»

۶- تقاضای «احسان پاک زمانی» فرزند «علیرضا» نسبت به «ششدانگ یک باب ساختمان» بمساحت «۲۰۰» متر مربع مجزی شده از پلاک شماره «۱۹۶۱» فرعی از «۱۱۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «صادق خدایی»

۷- تقاضای «محمد سلیمانی» فرزند «حسن» نسبت به «ششدانگ یک قطعه زمین

### رضا افروغ – سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود